

اقتدار حاکمیتی در گروی اقتدار ملی



سرمقاله
اعظم طالقانی

«أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَبِوَجْهِهِ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

هشدار که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آن خداست به یقین آنچه را که بر آنید می‌داند و روزی که به‌سوی او بازگردانیده می‌شوند آنان را از حقیقت آنچه انجام داده‌اند خبر می‌دهد و خدا به هر چیزی داناست.» (آیه ۶۴ سوره نور)

بلند شود که راه گفت‌وگو میان مردم و حکومت بسته شود. البته مردم تفاوت شعار ساده‌زیستی و در عمل مانند مردم زندگی کردن را می‌دانند. چه بسیار خسارت‌هایی که به اسم عدالت و مبارزه با رانت به این ملت تحمیل شد!

راه درست مبارزه با کژی‌ها و کاستی‌ها ایجاد فضای امید و نشاط در جامعه است. حاکمیت قانون‌مدار نسبت به کرامت انسانی بسیار حساس است؛ بنابراین خود حاکمیت باید در ایجاد فضای همکاری بین دولت و ملت و نیز هموار کردن بستر انتقاد از حاکمیت پیش‌قدم باشد. انتقاد مردم از دولت و پیگیری برای اصلاح نه‌تنها از اقتدار دولت نمی‌کاهد، بلکه چهره آن را در داخل و نیز مجامع بین‌المللی بهبود می‌بخشد. خداوند در قرآن بر مسئله برابری مردم با یکدیگر تأکید می‌کند. برای نمونه آیه ۱۳ سوره حجرات از توجه پروردگار به کرامت انسانی عنایت دارد:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا خَلَقْنَاكَ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكَ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ: أَي مَرْدَمَ مَا شَمَّا رَا از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید خداوند دانای آگاه است.»

همچنین امام علی (ع) در اولین دستورالعمل به مالک اشتر که متذکر حفظ جان مردمان است می‌گوید: «مهربانی به رعیت و دوست داشتن آن‌ها و لطف در حق ایشان را شعار دل خود ساز. چونان حیوانی درنده مباش که خوردنشان را غنیمت شماری، زیرا آنان دو گروهند، یا هم‌کیشان تو هستند یا همانندان تو در آفرینش. از آن‌ها خطاها سر خواهد زد و علت‌هایی عارضشان خواهد شد و به‌عمد یا خطا لغزش‌هایی کنند، پس از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان‌گونه که دوست داری که خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد. زیرا تو برتر از آن‌ها هستی و آنکه تو را بر آن سرزمین ولایت داده برتر از توست و خداوند برتر از کسی است که تو را ولایت داده است. ساختن کارشان را از تو خواسته و تو را به آن‌ها آزموده است.» رعایت این توصیه‌ها، نه‌تنها رفتارهای انحرافی را کاهش می‌دهد، بلکه تمام حفره‌های سوءاستفاده را با بهره‌گیری از منابع و اصول رفتار انسانی و بهره‌گیری از تجربه و معلومات جوامع پیشرفته و سالم مسدود می‌کند.

در پایان بیان مجملی از آقای دکتر مقصود فراستخواه را به‌عنوان رهنمودی در ایجاد امید در جامعه می‌آوریم. ایشان پس از بررسی مقوله امید از منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی توضیحاتی درباره آمار و ارقام ارائه داده‌اند که نشان‌دهنده شرایط فعلی ایران است. از منظر امید اجتماعی، شرایط ایران بسیار نگران‌کننده است که نباید آن را ساده انگاشت. ایشان معتقد است همه کسانی که می‌توانستند در افزایش امیدواری اجتماعی مردم نقش داشته باشند، هیچ کاری نکرده‌اند و خواسته یا ناخواسته به ناامیدی اجتماعی در کشور دامن زده‌اند. از این‌رو در شاخص شادی جهانی در سال ۲۰۰۶ رتبه ما در میان ۱۷۸ کشور ۹۶ است و در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ از ۱۵۴ کشور رتبه ما از نظر وجود نیروی امیدوار و شادی‌بخش ۱۰۷ است. این رشد امید مسئله کوچکی نیست.

یکی از درس‌های مهم تاریخ این است که اگر حاکمیتی پی اقتدار خود باشد، باید برنامه پایداری را برای ارتقای اقتدار ملی داشته باشد. حال آنکه برخی افراد مفهوم اقتدار را صرفاً در داشتن تجهیزات نظامی و امکانات مادی و کشورگشایی می‌پندارند. تاریخ نشان داده که در لحظات خطیر و هنگام تهدیدات خارجی، ابزار ذکرشده برای حفظ تمامیت ارضی کافی نخواهد بود. نیروی پیش‌برنده یک ملت در مقابله با تهدیدات، وحدت ملی و اعتماد بین دولت و ملت است. در اینجا بحث بر سر این‌همانی اقتدار حاکمیتی با اقتدار ملی است. ملتی که یک‌دست و استوار به سمت اهدافش حرکت می‌کند و تفاوت‌های مذهبی، قومیتی، زبانی و فرهنگی را در چارچوب قانون اساسی به‌جای تهدید به فرصت تبدیل می‌کند، محرک و مولد حاکمیتی مقتدر خواهد بود که هم در مجامع بین‌المللی قدرت چانه‌زنی بر سر منافع ملی را دارد و هم به پشتوانه حمایت مردم، از اصول خود به شایستگی دفاع می‌کند. به بیانی دیگر همه آنچه ما به‌عنوان اقتدار حاکمیت می‌نامیم، نسبتی مستقیم با میزان اعتماد بین مردم و سیاستمداران و نیز اطمینان از عملکرد اداره‌کنندگان جامعه دارد؛ اما این اعتماد چگونه به وجود می‌آید؟ وقتی مدیران ارشد کشور در رعایت اخلاق و معنویت کوشش کنند و در گفتار و کردار خود صادق باشند، نخستین قدم‌ها را در مسیر ایجاد این اعتماد برداشته‌اند. همچنین التزام به قانون به‌مثابه میثاق ملی و پرهیز از هر اقدامی که رنگ و بوی سلیقه شخصی دارد قدمی دیگر در این مسیر است. مسئله بعدی اجرای بدون تنازل و بدون برجسته‌سازی قانون اساسی است که پیش‌زمینه حفظ حقوق شهروندی بوده و بستر را برای رفع هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی فراهم می‌کند. جامعه بدون تبعیض، جامعه‌ای بانشاط و پرامید است و این جامعه با شجاعت در پی اهداف خود خواهد بود. در چنین سامانی است که نیروهای متعهد و متخصص پرورش می‌یابند.

وقتی مریبان و الگوهای مورد وثوق مردم دچار رفتار زشت و خلاف عرف جامعه شوند، گناهی نابخشودنی مرتکب می‌شوند، زیرا در این صورت بستر گسترده‌ای برای تباهی به وجود می‌آید و فساد شهروندان را فرامی‌گیرد. این‌گونه است که اقتدار ملی و حاکمیتی همراه یکدیگر کاهش می‌یابد تا جایی که مردم اقتدار ملی را در جایی به‌جز اقتدار حاکمیت دنبال می‌کنند که این خود پیش‌زمینه فروپاشی خواهد بود. هر خبری که از اختلاس یا ویژه‌خواری مسئولان دولتی در رسانه‌ها منتشر می‌شود، مانند آجری است که روی دیوار بی‌اعتمادی بین دولت و مردم گذاشته می‌شود. خدا نکند که این دیوار آن‌قدر